

شیوه های تبلیغی حضرت زینب (س)

<?xml encoding="UTF-8">

دورنمایی از زندگی

حضرت زینب - سلام الله علیها - در پنجم ماه جمادی الاولی سال پنجم و یا ششم هجری (1) - یعنی دو یا سه سال پس از ولادت برادر بزرگوارش امام حسین علیه السلام - در شهر مدینه دیده به جهان گشود، او سومین ثمره ی پیوند فرخنده ی علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام بود، کنیه ی آن حضرت. ام کلثوم و ام الحسن بوده است. (2)

لقب های حضرت زینب (س)

- 1- عقیله. عقیله ی بنی هاشم. عقیلة الطالبین. عقیلة النساء. عقیله ی قریش.
 - 2- زینب کبری 3- صدیقه صغری 4- عالمه غیر معلمه 5- عارفه 6- عامله 7- شریکه الحسین 8- شجاعة 9- محبوبة مصطفی 10- زاهده 11- باکیه.
- زینب کبری در سال هفدهم هجری با پسر عموی خود، عبدالله بن جعفر بن ابی طالب ازدواج کرد و این ازدواج بر اساس اشاره ای که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله داشت، صورت گرفت زیرا که حضرت فرمود: «بناتنا لبنینا وبنونا لبناتنا» (3) .
- و ثمره این ازدواج چهار یا پنج فرزند به نام های محمد، جعفر، عون، علی و ام کلثوم بود که دو تن از فرزندان آن حضرت به نام های «عون» و «محمد» در رکاب دایی گرامی شان امام حسین علیه السلام شهید شدند.
- حضرت زینب در طول سال های زندگی خود با حوادث و مصیبت های بسیار تلخی رو به رو شد تا آنجا که به «ام المصائب» شهرت یافت.
- برخی از آن حوادث عبارتند از:
- 1- رحلت جد بزرگوارش، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، در سال دهم هجری - در سن پنج سالگی - .
 - 2- پیدایش اختلاف درباره جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در سال دهم هجری که این خود از بزرگترین مصایب جهان اسلام است.
 - 3- شهادت مادرش زهرا ی اطهر علیها السلام در سال دهم هجری.
 - 4- مشکلات و مصایب دوران خلافت علی علیه السلام (جنگ جمل، صفین و نهروان در سال های سی و پنج تا چهل هجری) .
 - 5- شهادت پدر بزرگوارش، علی علیه السلام در سال چهل هجری.
 - 6- شهادت برادر بزرگوارش امام حسن علیه السلام و جریان دفن آن حضرت در بقیع در سال پنجاهم هجری.
 - 7- جریان عاشورا در سال شصت و یکم از هجرت و شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش و شهادت فرزندان در کربلا.
 - 8- اسارت.

فضایل و مناقب حضرت زینب (س)

زینب کبری دارای فضایل و مناقب بسیاری بود، برخی از القاب آن حضرت خود گویای فضیلت های بی شمار آن بانوی بزرگوار است. تا آنجا که یکی از بزرگان در این باره می گوید:

«فان فضایلها وفواضلها وخصالها وجلالها وعلمها وعملها وعصمتها وعفتها ونورها وضيائها وشرفها وبهاؤها تالية امها صلوات الله عليها» (4) .

فضائل و برتری های او و خصلت های جلالت قدر و علم و عمل و عصمت و عفت و نورانیت و روشنایی و شرف و زیبایی اش همچون مادرش زهرا علیها السلام است.

مقام علمی

یکی از فضایل و خصایص حضرت زینب (س) مقام علمی اوست، او زنی دانشمند، سخن ور، فصیح و بلیغ بود و نایب خاص امام حسین علیه السلام در بیان حلال و حرام الهی بود و روایت است که در اسارت هنگامی که امام سجاد علیه السلام بیمار بودند مردم در حلال و حرام به زینب (س) مراجعه می کردند و او هم پاسخ آنان را می داد (5) .

امام صادق علیه السلام برای جواز چاک دادن گریبان در مصیبت فقدان پدر و برادر و... به فعل و عمل زینب علیها السلام در جریان کربلا استناد می کند (6) .

و از این سخن امام سجاد علیه السلام که در خطاب به عقیله ی بنی هاشم می فرماید:

«یا عمه انت بحمد الله عالمه غیر معلمه وفهمه غیر مفهمه » (7) .

«عمه جان تو بحمد الله عالمه ای هستی بدون این که معلم داشته باشی و تو فهمیده ای هستی بی آن که کسی مطالب را به تو یاد داده باشد» . پی می بریم که زینب کبری (س) علم و دانش خود را از طریق دیدن استاد و معلم به دست نیاورده، بلکه از جانب خدای تعالی به آن حضرت اعطاء شده است.

درباره ی پایان زندگی آن شیرزن کربلا اختلاف است و روشن نیست که در کجا به جوار حق رفته است در مدینه؟ دمشق؟ یا قاهره؟ ولی آنچه مسلم است این است که پس از بازگشت از شام مدت زیادی زنده نبود و در غروب روز پانزدهم رجب سال 62 هجری به جوار حق شتافته است. (8)

شیوه ها و سیاست های تبلیغی زینب علیه السلام

چنانچه عاشورا را پدیده ای بدانیم که به وجود آورنده آن حسین بن علی علیهما السلام باشد پرورش دهنده این پدیده زینب دختر علی علیهما السلام خواهد بود.

وظیفه ی مهم او پس از عصر عاشورا، پاسداری از نهضت خونین امام حسین علیه السلام و رساندن پیام «هیئات منا الذله » او برای جهانیان است.

او راه سخت و دشواری را در پیش دارد. او باید در بین جمعیتی سخن بگوید که گویی گوششان ناشنوا و چشمانشان نابیناست و در حماقت و نادانی کامل به سر می برند.

او باید از این پس آگاهانه بیانديشود و تصميم بگيرد و بايد از هر حال و شرايط و از هر وضعيت و موقعيت خوب استفاده کند و با زبان حال و قال آنان را از غفلت بيدار کند و به آنان آگاهی و شناخت بدهد تا احساس مسئوليت کنند و آگاه خواه ناخواه شورش و انقلاب پديد آيد.

خطبه های آتشين و بلند پایه ی حضرت زينب (س) همه نقشه های شوم يزيديان را بر آب کرد و همچون رعد و برق، روشنگر و کوبنده بود که تمامی بافته های سی و چند ساله ی بنی امیه را از بين برد و شورشى بنيادين عليه بنی امیه برنامه ریزی کرد و کاخ امويان را برای همیشه لرزاند و واژگون کرد.

سياست ها و شیوه های تبليغی آن بانوی بزرگوار

1- گریه و فغان و برپایی مجالس عزاداری و سوگواری:

پس از این که امام عليه السلام و اصحاب باوفایش به شهادت رسیدند زينب (س) به سرعت به طرف میدان حرکت کرد و وقتی که بدن خونين و پاره پاره برادر را دید شیوه کنان گفت:

«وا اخاه وا سیداه وا اهل بیتاه و سپس گفت: لیست السماء اطبقت علی الارض ولیت الجبال تدکدکت علی السهل» (9) .

«ای کاش آسمان بر زمین ویران می شد و ای کاش کوه ها از هم می پاشیدند و به بیابان ها می ریختند.» و زمانی که به پیشنهاد شمر لعین کاروان اسیران را از کنار بدن های قطعه قطعه شده ی شهیدان عبور می دادند و زينب (س) پیکر شهدا و بدن پاره پاره شده برادرش را دید خم شد و بدن پاره پاره برادر را در آغوش گرفت و دهانش را روی حلقوم بریده برادر نهاد و می بوسید و می گفت:

«يا اخی لو خیرت بین الرحیل والمقام عندک لاخترت المقام عندک ولو ان السباع تاكل من لحمی» (10) .

«برادرم، اگر مرا بین سکونت در کنار تو - کربلا - و بین رفتن به سوی مدینه مخیر می نمودند، سکونت در نزد تو را برمی گزیدم، گرچه درندگان بیابان گوشت بدنم را بخورند.

و در برخی از مقاتل آمده است: در این هنگام رو به مدینه کرده و می گوید:

«وا محمده صلی علیک ملائکة السماء، هذا حسین مرمل بالدماء مقطوع الاعضاء وبناتک سبایا» (11) .

فریاد ای محمد صلی الله علیه و آله درود فرشتگان آسمان بر تو باد این حسین تو است که در خون غوطه ور است، اعضایش قطع شده و دختران تو به عنوان اسیر عبور داده می شوند...» راوی می گوید: زينب کبری - سلام الله علیها - به گونه ای روضه خواند و گریه کرد که:

فابکت واللہ کل عدو وصدیق (12) «سوگند به خدا هر دوست و دشمن از گریه و گفتار زينب (س) گریه کرد» .

محتشم کاشانی در دوازده بند معروف خود در این باره چنین سروده است:

«ناگاه چشم دختر زهرا در آن میدان بر پیکر شریف امام زمان فتاد

بی اختیار نعره ی «هذا حسین» از او سر زد چنان که آتش ازو در جهان فتاد

پس با زبان پرگله آن بضعة الرسول رو در مدینه کرد که یا ایها الرسول

این کشته فتاده به هامون حسین توست وین صید دست و پا زده در خون حسین توست

این نخل تر کز آتش جان سوز تشنگی دود از زمین رسانده به گردون حسین توست

این ماهی فتاده به دریای خون که هست زخم از ستاره بر تنش افزون حسین توست

این خشک لب فتاده ی دور از لب فرات کز خون او زمین شده جیحون حسین توس
این شاه کم سپاه که با خیل اشک و آه خرگاه زین جهان زده بیرون حسین توس
این قالب طپان که چنین مانده بر زمین شاه شهید ناشده مدفون حسین توس « (13)
آنچه از این گونه اقدامات آن حضرت به دست می آید. این است که او می خواهد با این ناله های جان سوز ولی
آگاهانه و بیدار کننده.

درس های آموزنده به لشکریان فرومایه دشمن دهد او باید به آنان بفهماند که چه جنایت هایی کرده اند و باید
به آن لشکر جنایت کار کوفه بفهماند که جنگ شان، جنگ با قرآن، آورنده قرآن، و ایمان آورندگان به قرآن بوده
است.

او می خواهد با این ناله های جان سوز عواطف و احساسات مردم را تحریک نماید و آنان خود به خود علیه
استبداد و یزیدیان قیام و شورش کنند و می بینیم که چنین کرد.

مدتی که در شام اقامت داشت در محله ای به نام «دار الحجرة» مراسم عزاداری برپا کرد و آن چنان عزاداری و
نوحه سرایی و گریه و زاری می کردند که مردمی که در آنجا شرکت می کردند تصمیم گرفتند به خانه یزید هجوم
برند و او را به قتل برسانند (14).

و باز آن بانوی ستمدیده را می بینیم که پس تحمل آن همه مصیبت ها و رنج ها به مدینه بازگشته و در شهر
پیامبر صلی الله علیه و آله و در خانه خود به سوگواری بر امام علیه السلام و دیگر یاران او می پردازد، در این
مراسم عزاداری، هر روز گروه گروه از زنان مدینه به خدمت آن حضرت آمده، ضمن تسلیت به ایشان، به ندبه و
گریه می پردازند تا آنجا که به تدریج زنان قبایل و عشایر، تصمیم به خونخواهی شهدای کربلا می گیرند و قیام می
کنند (15).

2- خطابه و سخنرانی

هنگامی که کاروان اسیران، در آن جو پر از ظلم و خفقان به کوفه رسید، زنان، مردان و کودکان کوفه همه به معابر
آمده تا مغلوبین و اسراء را تماشا کنند، برخی ناراحت و برخی بهت زده و گروهی از شدت تآثر اشک می ریختند.
حضرت زینب (س) موقعیت را تشخیص داد و نگاهی به مردم کرد و با اشاره خواست همه سکوت کنند و با
انتخاب بهترین فرصت ها و زیباترین کلمات و جملات و با شجاعتی بی نظیر و علی وار بر مسند خطابه ایستاد.
فرازهایی از خطبه های آن مظلومه را در این قسمت نقل نموده و به تحلیل برخی از نکات آن می پردازیم:
«الحمد لله والصلوة علی ابی محمد و آله الطیبین الاخیار، اما بعد یا اهل الکوفه، یا اهل الختل والغدر ا تبکون؟
فلا رقات الدمعة و لا هداة الرنة، انما مثلکم کمثل التی نقضت غزلها من بعد قوة انکاثا تتخذون ایمانکم دخلا
بینکم، الا و هل فیکم الا الصلف و النطف و الصدر الشنف و ملق الاماء و غمز الاعداء و هل انتم الا کمرعی علی
دمنة او کفضة علی ملحودة...» (16).

«حمد و سپاس مخصوص خداوند است و درود بر پدرم محمد و اهل بیت پاک و برگزیده او باد، اما بعد هان ای
مردم کوفه ای اهل نیرنگ و فریب، گریه می کنید؟ ای کاش هیچ گاه اشک چشمهایتان تمام نشود و هرگز ناله
هایتان خاموش نگردد، همانا مثل شما مثل زنی است که رشته ی خویش را پس از خوب تابیدن، باز می کرد،
شما سوگندهای خود را دست آویز فساد، در میان خویش قرار داده اید، آیا در شما جز چاپلوسی و آلودگی و سینه
های پرکینه و تملق گویی کنیزان و خریدن ناز دشمنان دین، خصلتی هست؟ مثل شما، مثل گیاه و علفی است
که در مزبله می روید یا نقره ای آرایش قبیری به آن عوده می شود...»

او در ابتدای خطبه از پیامبر صلی الله علیه و آله تعبیر به پدر می کند و با انتخاب این کلمه، می خواهد خود و قافله اسیران را معرفی کند و نسبت خویش را با پیامبر روشن سازد تا همگان دریابند اهل این قافله از کدام دودمان و قبیله اند و از این راه افکار و احساسات مردم را در اختیار بگیرد و مردم آنان را با دیده اسیر ننگرند و سپس به بزرگترین نقطه ضعف کوفیان یعنی سست عنصری و پیمان شکنی آنان اشاره می کند و با این کلمات و جملات می خواهد آنان را بر این خصلت آگاه سازد.

و در فرازی دیگر از خطبه با نگرش دقیق و ظریف با صفاتی همچون «درمان دردها»، «چراغ راه امت»، «پناهگاه جمع» و... به معرفی شخصیت امام علیه السلام می پردازد تا جای شک و تردیدی برای آن قوم سست عهد باقی نماند. او همچنان با مردم سخن می گفت و آنان را کشنده حسین علیه السلام و خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می کرد. سخنان او کاملاً صحنه را تغییر داد تا آنجا که صدای مردم کوفه به گریه بلند شده بود. زنان موهای خود را افشان کرده بودند و خاک بر سر و روی خود می ریختند.

او صحنه ی دیگری از قیامت را در برابر مردم قرار داد، در آن روز مردم کوفه از شنیدن این سخنان، همچون ستمکاران در قیامت، حیران و سرگردان شده و دست های خود را به دهان می گزیدند (17).

آن استاد بی معلم نه تنها با مردم کوفه سخن گفت و آنان را بر آن کار زشتی که مرتکب شده بودند ملامت و سرزنش کرده، در دار الاماره ابن زیاد نیز چنان نیرومندان ایستاد و پرخاش گرانه سخن گفت و او را حقیر و کوچک شمرد که توان سخن گفتن را از او گرفت.

و پس از ورود به شام و حضور در مجلس یزید با سخنان علی گونه اش چنان او را رسوا کرد و او را به گریه واداشت که توان پاسخ گفتن از او سلب شد.

3- سیاه پوشی

یکی از عواملی که سبب موفقیت زینب (س) شد عقل و تدبیر او بود، اصلاً قبل از این که عاشورایی و اسارتی در کار باشد، زینب به عقل و تدبیر معروف و مشهور بود به طوری که به او القاب، عقیده بنی هاشم عقیده النساء و... لقب داده اند.

عقل و تدبیر زینب به گونه ای بود که توانست در کارهایش بیشتر موفق شود و در غیر این صورت نمی توانست در برابر یزید و اطرافیان حيله باز و مزورش موفق شود.

از جمله کارهای مدبرانه حضرت زینب (س) برگزاری مجالس سوگواری و عزاداری در شام و مدینه و دستور وی مبنی بر سیاه پوش نمودن محمل ها بود که فرمود:

«اجعلوها سوداء حتی يعلم الناس، انا فی مصیبة وعزاء لقتل اولاد الزهراء (س)» .

«محمل ها را سیاه پوش کنید تا مردم بدانند که ما در مصیبت و عزاداری برای کشته شدن فرزندان زهرا هستیم» .

هر چند این گونه امور از نظر دشمنان ساده و بی ارزش بود ولی در حقیقت همین کارهای باارزش زمینه ساز قیام و انقلاب مردم علیه قاتلان امام حسین علیه السلام بود که توانست کاخ یزیدیان را متزلزل کند.

4- رفتارهای عالمانه

یکی از عوامل موفقیت زینب (س) در رساندن پیام حسین علیه السلام به جهانیان، تبلیغ با عمل بوده است او همواره تلاش می کرد که به وظیفه الهی خود عمل کند و در رعایت حلال و حرام الهی هیچ گونه سهل انگاری نمی کرد و از هیچ وظیفه شرعی فروگذار نمی کرد.

نقل است که وقتی اسرا را وارد کوفه کردند، مردم کوفه از روی ترحم به اطفال و اسیران نان و خرما می دادند، ام کلثوم (18) فریاد می زد: ای اهل کوفه! صدقه بر ما حرام است و آنان را از دست و دهان بچه ها می گرفت و به سوی مردم می انداخت (19) .

حتی حاضر می شود نان و غذای خود را بین بچه ها تقسیم کند و سه روز یا بیشتر چیزی نخورد ولی اجازه نمی دهد که ذره ای از صدقه را تناول کنند.

یکی از موارد عملی تبلیغ حضرت زینب (س) حفظ حجاب است، او نه تنها در حالت عادی، بلکه در بحرانی ترین لحظات زندگی اهتمام زیادی در حفظ خود از انظار و دیده های مردم داشت.

راوی می گوید: وقتی از حج برمی گشتم، وارد کوفه شدم، دیدم اسرا را وارد کوفه کرده اند امام سجاد علیه السلام را دیدم که بر شتری بدون رویوش سوار بوده و از پاهایش خون جاری بود در این هنگام بانویی را دیدم که بر شتری برهنه سوار است، سؤال کردم، او کیست؟

گفتند: زینب کبری است. فریاد می زد: ای مردم چشم های خود را از ما بپوشانید آیا از خدا و رسولش حیاء نمی کنید که به حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که پوششی ندارند می نگرید (20) .

او می خواهد با عمل و رفتار خود به جهانیان بفهماند که حسین علیه السلام و یارانش برای احیای احکام الهی شهید شده اند و زنان و کودکانش به همین دلیل به اسارت می روند و بنی امیه و دستگاه حاکمه یزید نسبت به احکام الهی نه تنها بی اعتنا هستند بلکه احکام الهی را واژگون کرده اند.

5- دعا و عبادت

یکی دیگر از شیوه های تبلیغی حضرت زینب - سلام الله علیها - دعا و عبادت است. او همواره می دانست که دشمنان در انتظارند تا کوچک ترین واکنش یا کلامی را جستجو کنند که نشانه ای از ضعف خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله باشد و از این رو او برای این که دشمنان را مایوس کند در روز یازدهم وقتی که در کنار جسد برادر آمد توقف کرد و با خلوصی خاص متوجه خدا گردید و عرض کرد:

«اللهم تقبل منا قليل القربان» (21) خداوندا این قربانی کوچک را از ما قبول کن.

از دعایی که حضرت زینب (س) نمود می توان دریافت که با همه این مصایب و مشکلات باز هم در برابر توفان های کوبنده ایستاده است و با خدای خود می گوید: «یا عماد من لا عماد له ویا سند من لاسند له یا من سجد لك سواد الليل وبياض النهار وشعاع الشمس وحفيف الشجر ودوى الماء يا الله، يا الله، يا الله» (22) .

ای پناهگاه آن که جز تو پناهی ندارد، ای تکیه گاه آن که جز تو پشتیبان نهی نمی شناسد، ای خدایی که سیاهی شب و سپیدی روز و روشنایی خورشید و صدای آرام درخت و آب بر تو سجده می کنند، ای خدا، ای خدا، ای خدا. و نیز در خطبه ای که در مجلس یزید بیان کرد این گونه دعا می کند:

«... اللهم خذ بحقنا وانتقم من ظالمنا واجعل غضبك على من سفك دماءنا ونقض دماؤنا وقتل حماتنا وهتك عنا سدولنا» (23) .

خدایا حق ما را باز گیر و از آن کس که به ما ستم کرد انتقام بگیر و خشم خود را بر کسی که خون های ما را ریخت و عهد ما را شکست، و یاران ما را کشت و از ما پرده دری کرد فرود آر.

6- بکارگیری اصول روان شناسی

لازم به ذکر است گرچه اصول روانشناسی در تبلیغ به صورت کلاسیک از ابتکارات علوم معاصر است ولی در تبلیغات اصیل آسمانی نیز مورد توجه قرار گرفته است و سیره رهبران و ائمه اطهار علیهم السلام نشان می دهد

که آنان در تبلیغ به اصول روانشناسی فردی و اجتماعی توجه کامل داشته اند. حضرت زینب (س) نیز، در امر رساندن پیام امام حسین علیه السلام به جهانیان از این اصول از جمله تحقیر دشمنان، تکریم دوستان، تحریک عواطف و مخاطب شناسی استفاده نموده است. وقتی که با کوفیان سخن می گوید، در آغاز خطبه بر اصالت خاندان خودش تاکید می ورزد و از پیامبر صلی الله علیه و آله تعبیر به پدر می کند تا عواطف و احساسات مردم را در اختیار بگیرد و آنان خود بخود آماده قیام و شورش شوند. و در فراز اول خطابه خود به بزرگترین نقطه ضعف کوفیان یعنی سست عنصری و عهد شکنی اشاره می کند و آنان را از این راه تحقیر می کند.

و باز آن بانوی بزرگوار را می بینیم که در کاخ ابن زیاد، او را «پسر مرجانه» می خواند که برای عبیدالله توهین آمیزترین و رسوا کننده ترین القاب است که حاکی از نامشروع بودن وجود وی و بدنام بودن مادرش می باشد و آن چنان ضربه بر پیکر لرزان عبیدالله می زند که تصمیم به قتل زینب (س) می گیرد. و در فرازی از خطبه آتشین خود در خطاب به یزید به معرفی یزید، پدر، جد و جده اش می پردازد و بر اصالت خاندان خود تاکید می ورزد و می فرماید:

«وكيف يرتجى مراقبة من لفظ فوه اكباد الاذكياء ونبت لحمه من دماء الشهداء...» . (24) .

«و چگونه توقع و امید دلسوزی از آن کسی باشد که دهانش جگر پاکان را جوید و بیرون انداخت و گوشتش از خون شهیدان روئید...» و نیز از مقایسه بین دو خطبه ای که در کوفه و شام بیان فرمود به این نتیجه می رسیم که اصل مخاطب شناسی را کاملاً رعایت کرده است، زیرا که در کوفه اکثر مخاطبین او عموم مردمند که در جهل و ناآگاهی به سر می برند و به مقتضای حال، سخن را در خور فهم مخاطبین بیان می نماید. و آنان را از جنایتی که مرتکب شده اند و نیز از شخصیت شهیدان آگاه می سازد. ولی در شام در مجلس یزید، چون خواص حضور دارند و همه دارای آگاهی نسبت به امور هستند لحن خطاب فرق می کند و در نتیجه به رسوا کردن و مایوس نمودن یزیدیان می پردازد.

آنچه اشاره شد اجمالی از سیاست ها و شیوه های تبلیغی آن بزرگوار بود. شیوه های دیگری از قبیل شجاعت، شهامت، فصاحت و بلاغت و وقت شناسی از دیگر روش های تبلیغی آن بزرگوار بوده است.

پی نوشت ها :

- (1) اخبار الزینبات، ابوالحسن یحیی بن حسن علوی، ص 23 .
- (2) زینب کبری (س)، عقیله بنی هاشم، حسن الهی (بوته کار)، ص 62 .
- (3) من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 293 .
- (4) طراز المذهب، ص 6 به نقل از کتاب زینب کبری (س) عقیله ی بنی هاشم، حسن الهی، ص 84- 83 .
- (5) زینب کبری، نقدی، جعفر، ص 35 .
- (6) جواهر الکلام، ج 4، ص 307 .
- (7) بحار الانوار مجلسی، ج 45، ص 64 .
- (8) زندگانی فاطمه زهرا، شهیدی، جعفر، ص 261- 262 .

- (9) بحار الانوار، ج 6، ص 54 .
- (10) معالی السبطين، ج 2، ص 55 .
- (11) سوگنامه آل محمد، ص 393 .
- (12) معالی السبطين، ص 31؛ بحار ج 45 ص 59؛ نفس المهموم، ص 210.
- (13) دیوان محتشم، بند 8 و 9 .
- (14) جزایری، سید نور الدین، خصایص زینبیه، ص 296 .
- (15) عمادزاده، حسین، حضرت زینب کبری (س)، ص 150 .
- (16) ترجمه لهوف ص 146- 148 .
- (17) فرقان 25: «وَيَوْمَ يُعْضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا» روزی که ستمگر داستان خود را به دندان گرد و می گوید: ای کاش راهی را که رسول در پیش گرفته بود، در پیش گرفته بودم.
- (18) برخی بر این باورند که ام کلثوم در اینجا همان زینب (س) است.
- (19) بحار الانوار، ج 4، ص 114 .
- (20) مقتل مقرر، ص 371 .
- (21) همان ص 307 .
- (22) آل بیت النبی فی مصر، ص 53- 52 به نقل از کتاب پیام آور عاشورا، ص 288 .
- (23) بحار الانوار، ج 45، ص 133- 135 .
- (24) بحار، ج 45، ص 133- 135 .